

## طرح پیرامونی و همکاری آذربایجان و اسرائیل

دکتر امیر ساجدی\*

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۴/۲۳ و تاریخ تصویب: ۱۳۹۰/۶/۱۲)

### چکیده

پس از فروپاشی شوروی و ایجاد موقعیت جدید در قفقاز و آسیای مرکزی، برای اسرائیل، یک کشور خاورمیانه ای فرصتی پدید آمد تا از طریق ارتباط با کشور آذربایجان در منطقه قفقاز جنوبی دارای نفوذ گردد. اسرائیل از بدو تاسیس تا کنون بتوسط کشورهای عربی متخاصم محاصره گشته و امکان ایجاد روابط سیاسی- اقتصادی همانند دیگر کشورها برایش فراهم نشده است. از این جهت بیشتر تلاش سیاست خارجی اسرائیل بدنبال ایجاد روابط با کشورهای پیرامون و غیر عرب خاورمیانه بوده است. در این راستا اسرائیل از سال ۱۹۹۲ با به رسمیت شناختن کشور آذربایجان و همکاری در زمینه های مختلف سیاسی- اقتصادی و امنیتی سعی نموده تا به اهداف مختلف خود دست یابد. نیاز مبرم آذربایجان به تکنولوژی، پیشرفت های اقتصادی، سرمایه گذاری خارجی و نبود این امکانات در منطقه قفقاز جنوبی، دولتمردان آذری را متقاعد نموده که با برقراری رابطه با اسرائیل که دارای تکنولوژی پیشرفته در بخش صنعت و کشاورزی و همچنین دارای سرمایه های لازمه برای سرمایه گذاری می باشد، میتواند اقتصاد آذربایجان را متحول سازد و بر امنیت آن بیفزاید. آنها همچنین معتقدند که لابی پر قدرت یهودیان در

\* عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، گروه علوم سیاسی، تهران، ایران.

آمریکا و غرب می‌تواند حمایت‌های لازم را از آذربایجان در مقابل تهدیدات منطقه‌ای بعمل آورد. بدین ترتیب روابط دو کشور اسرائیل و آذربایجان از دو منطبق متفاوت بر اساس نیاز همکاری با یکدیگر بر اساس طرح پیرامونی شکل گرفته است.

## کلید واژگان

اسرائیل، آذربایجان، اقتصاد، امنیت، طرح پیرامونی

## مقدمه

آذربایجان با  $۸۶/۶۰۰$  کیلومتر مربع در منطقه قفقاز جنوبی بین طول جغرافیایی  $۴۴$  درجه و  $۵۹$  دقیقه تا  $۵۰$  درجه و  $۳۶$  دقیقه شرقی و عرض جغرافیایی  $۳۸$  درجه و  $۲۶$  دقیقه تا  $۴۱$  درجه و  $۵۴$  دقیقه شمالی واقع گردیده است. آذربایجان از شرق به دریای خزر، از شمال به روسیه، از شمال غرب به گرجستان، از غرب به ارمنستان و از جنوب به ایران محدود می‌گردد. این کشور از نظر جغرافیایی محل تقاطع پنج جمهوری استقلال یافته از شوروی سابق، محل تلاقی شرق و غرب، مهم‌ترین همسایه جنوبی روسیه و همچنین مهم‌ترین همسایه شمالی ایران در کنار دریای خزر می‌باشد. (۱) این کشور به لحاظ فرهنگی مرز میان تمدن اسلامی و مسیحی و اقوام پیرو سه دین مهم الهی یعنی یهودیت، مسیحیت و اسلام از گذشته‌های دور در این سرزمین در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند. آذربایجان همچنین در میان فرهنگ‌های روسی، ارمنی، ایرانی و ترکی واقع شده که همواره در معرض هجوم این فرهنگ‌ها قرار دارد.

اسرائیل با  $۲۰/۷۰۰$  کیلومتر مربع مساحت در جنوب غربی آسیا و در ناحیه خاورمیانه واقع گردیده است. این کشور کم وسعت که فاقد عمق استراتژیکی می‌باشد از شمال با لبنان، از شمال شرقی با سوریه، از شرق با اردن، از جنوب به خلیج عقبه و جنوب غربی با مصر همسایه است. این کشور دارای  $۷/۴۶۵/۰۰۰$  نفر جمعیت می‌باشد که اعراب  $۲۰\%$  آنرا تشکیل می‌دهند. (۲) در این کشور یهودیان با جمعیتی حدود پنج و نیم میلیون نفر و مسلمانان با بیش از یک و نیم میلیون نفر و همراه با تعداد اندکی مسیحی جمعیت اسرائیل را تشکیل می‌دهند. اسرائیل با این وسعت اندک و جمعیت کم در بین

همسایگان عرب متخاصم خود بنوعی محاصره گشته و تا زمانیکه بخش هایی از سرزمین های عربی را در تصرف دارد، امکان داشتن روابط عادی با همسایگان خود را ندارد.

فروپاشی شوروی در دهه پایانی قرن بیستم تحول مهمی را در مناطق مختلف جهان به وجود آورد که قفقاز جنوبی یکی از آن مناطق است. منطقه قفقاز جنوبی به سبب موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی و دارا بودن چالشهای مختلف مانند انرژی، امنیت، توسعه نیافتگی سیاسی-اجتماعی، محل عبور مواد مخدر و سلاح کشتار جمعی و مناقشات قومی مورد توجه قدرتهای منطقه ای و فرا منطقه ای قرار گرفته است. کشورهایی می توانند نقش مهمی در این منطقه ایفا کنند که بتوانند پاسخ های مناسبی برای اکثر این چالشها ارائه نمایند. در میان این چالشها مسائل اقتصادی و امنیتی، بیشتر از دیگر مسائل مورد توجه دولتهای منطقه ای است. وجود منابع نفت و گاز در آذربایجان که حدود ۷ میلیارد بشکه و ۸۵ تریلیون متر مکعب بر آورده شده (۳) و همچنین مسیر ترانزیت بخش مهمی از انرژی آسیای مرکزی و دریای خزر از طریق سرزمین آذربایجان به اروپا سبب اهمیت بیشتر این کشور در نزد قدرتهای فرامنطقه ای اروپا، آمریکا و حتی اسرائیل گشته است. عدم همکاری های لازم از طرف کشورهای چین، روسیه و ایران با دولت آمریکا موجب گشته تا آذربایجان دروازه ورود آمریکا به قفقاز و آسیای مرکزی تلقی گردد. نیاز روز افزون اروپا به انرژی فسیلی و انتقال بخشی از نفت آسیای مرکزی و قفقاز از طریق خط لوله نفتی باکو - جیحان به دریای مدیترانه، کشور آذربایجان را در نزد کشورهای اروپایی در جایگاه خاصی قرار می دهد. نیاز اسرائیل به نفت و پیدا کردن بازاری برای فروش کالا های تولیدی خود که همواره با پاسخ منفی کشورهای نفتی عربی خاورمیانه مواجه بوده، کشور آذربایجان را نزد رهبران اسرائیلی بسیار با اهمیت نموده است. اسرائیل به دلیل پیشرفت اقتصادی در بخش کشاورزی و صنعتی و همچنین توانایی زیاد در بخش سرمایه گذاری خارجی از بدو استقلال آذربایجان مورد علاقه دولتمردان این کشور قرار داشت. از نظر آنها ایجاد روابط اسرائیل با آذربایجان می تواند علاوه بر دست آوردهای اقتصادی و امنیتی برای اسرائیل، عامل دین را در مناقشه اسرائیل با کشورهای عربی مسلمان پیرامون خود تضعیف نماید. دولتمردان آذربایجان نیز با این تصور که کشورهای منطقه نمی توانند پاسخگوی نیازهای اقتصادی و امنیتی آذربایجان باشند و ارتباط آذربایجان با کشورهای پیرامونی میتوانند بسیاری از مشکلات این کشور را برطرف نماید، سعی بر داشتن ارتباط نزدیک ولی با

احتیاط با کشور اسرائیل نمودند.

منطقه قفقاز جنوبی دارای چالشهای امنیتی زیادی از قبیل مناقشات قومی، توسعه نیافتگی اقتصادی- سیاسی و اجتماعی، جرایم فراملی و سازمان یافته (تجارت مواد مخدر، قاچاق سلاح و تجهیزات هسته ای) می باشد. منافع قدرتهای منطقه ای و فرامنطقه ای در آذربایجان به دلیل قرار داشتن منابع ژئوپلیتیکی مختلف از جمله نفت و گاز فراوان و همچنین عبور لوله نفتی باکو- جیحان از آذربایجان باعث رقابت و پیچیدگی مسائل در این سرزمین گشته است. (۴) اما این مسائل از اهمیت آذربایجان در نزد سرمایه گذاران نفتی و به خصوص برای کشورهای نیازمند به نفت نکاسته است، بطوری که با گذشت زمان تلاش رقبا برای خارج کردن یکدیگر از صحنه شدت بیشتری یافته است. هدف این پژوهش آن است تا منافع دو کشور اسرائیل و آذربایجان را از همکاری با یکدیگر بررسی کند و این فرضیه را اثبات نماید که روابط دو کشور تحت تاثیر مسائل اقتصادی، سیاسی و امنیتی بر اساس طرح پیرامونی اسرائیل شکل گرفته است.

#### الف. مفهوم دکترین پیرامونی اسرائیل

طرح پیرامونی<sup>۱</sup> توسط استراتژیست های اسرائیلی در اوایل دهه ۱۹۵۰ اظهار شد و آن اشاره دارد به وضعیت کشور کوچکی که در بین همسایگان متخاصم بزرگ قرار گرفته است. اسرائیل کشوری است که از بدو تاسیس تا امروز مشکلات زیادی با همسایگان عرب خود داشته و دارد و عدم پذیرش از سوی همسایگان و جنگ های متعدد بین آنها نشان از اختلاف اساسی بین آنها می باشد. (۵) در واقع کشور کوچک هفت میلیونی اسرائیل در محاصره کشورهای بزرگ چند صد میلیونی عرب خاورمیانه قرار گرفته و امکان داشتن روابط عادی اقتصادی و امنیتی را با آنها دارا نیست. بدین سبب بن گورین (اولین نخست وزیر اسرائیل) و دیگر استراتژیست های اسرائیلی برای خروج از محاصره سرزمینی و ژئواستراتژیکی خود طرح پیرامونی و یا حاشیه ای را مطرح ساختند. این استراتژیست های اسرائیلی اینگونه اظهار نمودند که اسرائیل به عنوان یک جزیره ای است در میان دریای مسلمان که می بایست از میان برخی کشورهای ساکن در حوزه خارج دنیای عرب برای خود دوستان و همپیمانانی را پیدا نماید. محدوده طرح پیرامونی

<sup>۱</sup> - Periphery Strategy/Periphery Plan

می تواند در طول زمان تغییر نماید. دولتمردان اسرائیلی در راستای طرح پیرامونی موفق گردیدند اتحادی را با همکاری ایران، ترکیه و اتیوپی شکل دهند. با سرنگونی شاه و روی کار آمدن نظام جمهوری اسلامی در ایران در سال ۱۹۷۹ میلادی این اتحاد شکسته شد. از این زمان به بعد دولتمردان اسرائیلی برای اجرای طرح پیرامونی سعی نمودند تا با دیگر کشورهای غیر عربی خاورمیانه (ترکیه) و یا کشورهای همجوار خاورمیانه (قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی) اتحادی را برقرار نمایند. امروزه محدوده طرح پیرامونی در نظر استراتژیست های اسرائیلی بسیار گسترده شده و محدوده ای از شرق تا کره شمالی، از غرب تا تنگه جبل الطارق، از جنوب تا خلیج عدن و از شمال تا دریای سیاه را در بر می گیرد. (۶)

#### ب. مفهوم امنیت

مهمترین نیاز انسان از آغاز پیدایش تا کنون امنیت بوده و تمامی جوامع دنیا به دنبال و در پی تحکیم آن می باشند تا بتوانند در صلح و آرامش زندگی نمایند و به پیشرفت و سعادت بیشتری دست یابند. جوزف نای اظهار می دارد امنیت بین المللی مانند اکسیژنی است که اهمیتش برای ما با ناپدید گشتنش مشخص می شود. (۷) در مقاله صلح، قدرت و امنیت، باری بوزان امنیت را رهایی از هر نوع خطر و تهدید دانسته است (۸) از نظر او در صحنه روابط بین الملل امنیت به توانایی کشورها و جوامع برای حفظ ماهیت و عملکرد مستقل و همچنین تمامیت ارضی شان بستگی دارد. (۹). امنیت ملی یک کشور میتواند متاثر از عوامل درونی و بیرونی آن باشد. عوامل درونی با استفاده از ظرفیت ها و توانایی های درونی میتوانند تغییر یابند و در راستای منافع ملی کشور قرار گیرند. اما امروزه شرایط و وضعیت اقتصادی کشورها، وابسته به جهان خارج است و این وابستگی ها می تواند بر امنیت ملی کشورها تأثیرات مهمی بر جای گذارد.

#### پ. مفهوم منافع ملی

رفتار کشورها در صحنه روابط بین الملل متاثر از برداشت و ادراک آنها از منافع و اهدافی است که همواره در جستجوی آنهاست. مفهوم منافع ملی برای برخی به معنای بقا و امنیت کشور است. دولتمردان

نیز با به کارگیری سیاست های رقابتی و تعارضی سعی در تامین این منافع از طریق همکاری و همگرایی دارند. بدین ترتیب جهت تامین امنیت ملی کوشش برای دستیابی و حفظ و توسعه آن، محور و اساس حرکت دولتها قرار می گیرد. منافع ملی در طول زمان از طرف دولتمردان دنبال می گردد و بر اساس واقعیت های موجود کشور شکل گرفته و جنبه عملی پیدا می نماید. پرفسور هالستی معتقد است که اهداف منافع ملی در درجه اول صیانت و موجودیت کشور سپس توجه دولت که معطوف به روابط بین دولت ها برای پیشبرد مقاصد عمومی و خصوصی، رفاه اجتماعی، توسعه اقتصادی و مناسبات تجاری، افزایش پرستیژ، توسعه و نفوذ از طریق عقد قراردادهای مختلف می باشد. (۱۰) امنیت ملی دارای ابعاد مختلفی است. یکی از ابعاد آن بعد نظامی است. امنیت نظامی در سه سطوح ملی، منطقه ای و فرا منطقه ای می تواند دنبال گردد. از پایان جنگ جهانی دوم دنیا شاهد رشد نظامی گری بوده و منازعات زیادی صورت گرفته است که منطقه قفقاز نیز متأثر از این مسئله می باشد. بعد بعدی امنیت سیاسی است که بر مبنای برون داد سیاست گذاری های نخبگان سیاسی - امنیتی هر کشور تعیین می گردد. این همان فضای تعامل بین دولتها را شکل می دهد. امنیت سیاسی یک اصل مهم در ارتقای امنیت و منافع ملی کشورهاست که در سطح منطقه دارای اهمیت فراوانی است. منطقه قفقاز که در نظریه مکندر در اوراسیا قرار دارد و پیوند دهنده خاورمیانه به اروپا می باشد در معادلات سیاسی کشورها دارای اهمیت زیادی است. بعد سوم امنیت اقتصادی است برای ارتقای شیوه زندگی مردم یک جامعه از طریق تامین کالاهای مورد نیاز و خدمات، هم از مجاری عملکرد داخلی و هم حضور در بازارهای بین المللی به گونه ای که منافع و امنیت ملی واحد سیاسی ارتقا یابد. امنیت در این مفهوم به مسائلی چون میزان دسترسی به منابع خام و ساخته شده، بازارها و همچنین تامین کالاهای لازم برای حفظ سطوح قابل قبول از رفاه جامعه و قدرت دولت می پردازد به گونه ای که تضمین کننده کارکردهای اساسی دولت باشد. (۱۱)

#### ۱. مبانی نظری

#### الف. نظریه وابستگی متقابل

امروزه در جهان هیچ کشوری نمی تواند ادعای خود کفایی اقتصادی نماید و ضرورت امنیت

اقتصادی مبتنی بر راهبرد های وابستگی متقابل نسبت به راهبردهای خود کفایی ملی پذیرفته شده است. این نظریه اظهار می دارد که وابستگی متقابل بین کشورها ساخت اصلی سیستم بین الملل معاصر را تشکیل می دهد. سیوم بران و رابرت کوهن معتقدند دولتها دیگر خودکفا و بی نیاز نیستند و وابستگی متقابل به طور فزاینده ای تمامی کشورها را به یکدیگر پیوند داده و در نتیجه امنیت این کشورها را وابسته به یکدیگر نموده است. امروزه مسائلی چون سلاح هسته ای، فقر، محیط زیست، حقوق بشر، منابع غذایی و انرژی مربوط به تمامی جوامع دنیا بوده و ضرورت دارد تا کشورها همکاریهای لازم را با یکدیگر مبذول بدارند. نفت یک نمونه بارز از وابستگی متقابل است که صادر کننده و وارد کننده را به یکدیگر وابسته نموده و همکاریهای دو طرف را در مواقع بحرانی طلب می نماید (۱۲). بر این اساس، نظریه پردازان بین المللی، معتقدند که کشورها بجای رقابت و برتری جوئی نظامی می توانند از طریق سیاست های همکاری جویانه و مسالمت آمیز اهداف امنیتی را محقق سازند.

آرمان گرایان پس از جنگ جهانی اول تلاش زیادی نمودند تا با ترویج افکار خود از فاجعه بزرگی همچون جنگ جهانی دیگری جلوگیری نمایند. آنها با تاکید بر غیر عقلانی بودن جنگ که هزینه سنگینی در بر دارد، سعی نمودند تا با تأسیس نهادهای بین المللی مانند جامعه ملل که امکان همکاری را در بین کشورها به وجود می آورد، صلح را در کانون توجهات روابط بین الملل قرار دهند تا بدین طریق امنیت ملی کشورها تضمین گردد (۱۳). پسانوگرایان نیز، گفتمان را مهمترین و اصلی ترین عامل در تعیین رفتار کشورها جهت تامین امنیت جهانی می دانند.

واقع گرایان معتقدند منازعه از رخدادهای غیر قابل انفکاک تاریخ بشر می باشد. این گروه معتقد است که جهان را آنچنان که هست می بایستی نگاه کرد و روابط بین الملل اساساً به مسئله قدرت و امنیت در روابط بین دولتها می پردازد. واقع گرایان بر این باورند که آنچه حوزه مطالعاتی روابط بین الملل را از دیگر موارد مشابه جدا می سازد، ماهیت ویژه آن است که مبتنی بر قدرت و نا امنی ناشی از فضای هرج و مرج گونه روابط بین الملل می باشد. این واقع گرایی امنیت را فقط در توان کاربرد زور بیشتر و سرکوب دیگران می بیند. این گونه افکار منجر به ترویج نظامی گری می گردد و در این موقعیت، قدرت برتر از حیث نظامی در وضعیت امن تری قرار می گیرد (۱۴). آنها همچنین معتقدند که جنگ بخاطر طبیعت ویژه انسان، طبیعت ویژه دولتها و طبیعت ویژه نظام بین الملل بصورت متعارف رخ

می دهد و آنچه حکومتها را در امنیت نگه می دارد، صرفا داشتن قدرت بیشتر است. مورگنتا منافع ملی را با قدرت پیوند می دهد و میزان قدرت ملی را تعیین کننده چارچوب منافع ملی کشورها می داند. از این رو قدرتهای بزرگ دارای منافع ملی گسترده ای هستند که اندازه قدرت و نفوذ جهانی آنها تعیین کننده چارچوب امنیت آنها است. (۱۵) بر اساس این نظریه در صحنه بین الملل قدرتهای بزرگ همواره در صدد افزایش قدرت و تحکیم موقعیت خود در بین دیگر بازیگران بین الملل هستند و امنیت را اینگونه تفسیر می نمایند: تسلط بر راههای آبی و مواصلاتی مهم بین المللی و نفوذ بر مناطق ژئواکونومیکی جهان.

### ب. نظریه همگرایی

تعاریف متعددی از مفهوم همگرایی وجود دارد. همگرایی روندی است که از یک سطوح می تواند آغاز گردد و به سطوح مختلف سیاسی، اقتصادی و یا امنیتی سرایت کند. می توان گفت که همگرایی فرایندی است که طی آن واحدهای سیاسی به صورت داوطلبانه برای رسیدن به اهداف مختلف با یکدیگر همکاری می نمایند. انگیزه دولتها از اینچنین همکاری ها با یکدیگر، دسترسی به منافع و امکاناتی است که تا قبل از ورود به فرایند همگرایی امکان دستیابی برای آنها غیر ممکن و یا بسیار سخت و همراه با هزینه بسیار بالا بود. کارکردگرایان معتقدند که واحد های سیاسی به تنهایی قادر به تامین تمامی نیازها و خواسته های خود نیستند. بدین سبب دولتها برای برطرف کردن نیاز های خود از چهار چوب بسته خود خارج و در ورای مرزهای ملی به جستجو ی آنها می پردازند. این امر مستلزم همکاری در بین دولتهاست که می تواند در حوزه های مختلف جغرافیایی صورت گیرد. (۱۶)

### ۲. روابط اسرائیل با آذربایجان

با توجه به فرو پاشی شوروی و ایجاد موقعیت جدید در منطقه قفقاز، برای اسرائیل فرصتی پدید آمد تا با ایجاد روابط با آذربایجان بتواند منافع ملی خود را ازدیاد بخشد و از طریق این کشور نفوذ قابل ملاحظه ای در منطقه قفقاز جنوبی بدست آورد. بدین جهت اسرائیل آذربایجان را در سال ۱۹۹۲ به رسمیت شناخت و در سال ۱۹۹۳ سفارت اسرائیل در باکو افتتاح گردید. تنها اسرائیل مشتاق ایجاد روابط



با آذربایجان نبود بلکه دولت آذربایجان نیز خواهان برقراری این رابطه بود. چرا که در اوایل دهه ۱۹۹۰ قرن بیستم آذربایجان از نظر نظامی و اقتصادی بسیار ضعیف بود. هر دو کشور از تاسیس رابطه با یکدیگر می‌توانستند بخش‌هایی از نیازهای خود که امکان تامین آن در داخل منطقه میسر نمی‌بود، را تامین نمایند. بدین ترتیب روابط دو کشور اسرائیل و آذربایجان از آغاز بر اساس نیاز به همکاری با یکدیگر شکل گرفته است. بنابراین همکاری‌های بین دو کشور را می‌بایستی در چارچوب منافع ملی دو کشور و در راستای طرح پیرامونی مورد بررسی قرار گیرد. عوامل متعددی برای همکاری دو کشور اسرائیل و آذربایجان وجود دارد که در میان آنها عوامل زیر بسیار مهم هستند:

### الف. عامل اقتصادی

پیشرفت اقتصادی یک کشور بستگی به ارتقای سطح زندگی مردم آن و چگونگی تولید کالا و ارائه خدمات در بازارهای داخلی و خارجی (که دربرگیرنده منافع و امنیت ملی آن کشور است) دارد. علی‌رغم داشتن منابع طبیعی و معدنی فراوان، آذربایجان تا سال ۱۹۹۱ (فروپاشی شوروی) بعلت قرار داشتن در یک سیستم سوسیالیستی، مدل‌های بازار آزاد را رد می‌کرد و نمی‌توانست در نظام تجارت جهانی در جایگاه اصلی خود قرار گیرد. اقتصاد آذربایجان بیش از ۷۰ سال از سیاست‌های اقتصادی غیر واقع‌بینانه که تحت تاثیر برنامه ریزی‌های متمرکز نظام سوسیالیستی شوروی قرار داشت، پیروی می‌کرد. این سیستم نه تنها نتوانست بستر مناسبی برای رشد اقتصادی آذربایجان در زمان اتحاد سوسیالیستی شوروی به وجود آورد بلکه آثار معضلات اقتصادی متعددی را حتی پس از استقلال آذربایجان بر جای گذاشت. این وضعیت نه تنها در آذربایجان بلکه در بین دیگر کشورهای تازه استقلال یافته جمهوری‌های مستقل مشترک المنافع قفقاز و آسیای مرکزی وجود داشت. (۱۷) فروپاشی سیستم اقتصادی سوسیالیستی این فرصت را در اختیار این کشورها قرار داد تا در صورت تمایل بسوی تجارت بین‌المللی و اقتصاد آزاد روند.

کشور آذربایجان با دارا بودن مواد معدنی و غیر معدنی چون نفت، طلا، تیتانیوم، مس، سرب، آهن، آلومینیوم، سنگ و دیگر مواد چون پشم، پنبه، ابریشم و چرم دارای موقعیت مناسبی برای ورود به صحنه تجارت جهانی بود. با وجود این امتیازات تراز بازرگانی جمهوری آذربایجان از آغاز استقلال تا

سال ۱۹۹۵ با اکثر کشورهای دنیا به استثنای ایران منفی بود. بدین سبب در سال ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵ آذربایجان با کسری تجاری بترتیب ۱۴۱ میلیون دلار و ۱۲۰ میلیون دلار مواجه گردید. (۱۸).

دولت آذربایجان برای حل مشکلات اقتصادی که بعلت نبود تاسیسات زیر بنائی کافی و مناسب و وابستگی های شدید تجاری (بخصوص با جمهوری های سابق شوروی) و از همه مهمتر فقدان مقررات حقوقی صحیح برای جذب سرمایه گذاری خارجی در این کشور، در صدد بود تا راه حل هایی برای معضلات اقتصادی کشور جستجو نماید. برای برطرف کردن مشکلات اقتصادی رئیس جمهور اسبق آذربایجان، حیدرعلی اف، با تشکیل یک کمیته ویژه اقتصادی متقاعد گشت که ساختار دست و پا گیر به جا مانده از اقتصاد سوسیالیستی با تکنولوژی قدیمی در بخش صنعت و کشاورزی دیگر جوابگوی مسائل اقتصادی آذربایجان نمی باشد. بنابراین آذربایجان نیاز به تنظیم تعرفه های گمرکی، گسترش روابط اقتصادی دوجانبه و چند جانبه با ارگان ها و سازمان های مالی و اقتصادی بین المللی و مهمتر از همه جذب سرمایه های خارجی و به کار گیری تکنولوژی مدرن در بخش های مختلف اقتصاد کشور را دارد. برای جذب سرمایه های خارجی در وهله اول آذربایجان در صدد بر آمد موانع بر سر راه سرمایه گذاری خارجی را از میان بر دارد تا فعالیت های اقتصاد خارجی بدون مانع صورت پذیرد. برای این منظور علاوه بر قانون حمایت از سرمایه گذاری خارجی که در گذشته بتصویب رسیده بود (قانون روند و شرایط سرمایه گذاری سال ۱۹۹۵)، قانون خصوصی سازی بخش های دولتی (۱۹۹۸) و قانونمند ساختن بخش های گوناگون اقتصادی را نیز بتصویب مجلس این کشور رساند. طبق قانون حمایت از سرمایه گذاری خارجی، سرمایه گذاران قادر خواهند بود بصورت سرمایه گذاری مشترک با کمپانی های داخلی، تاسیس شرکت یا کمپانی بدون مشارکت طرف آذری، تاسیس دفاتر نمایندگی، خرید سهام و برخورداری از حقوق مساوی با سرمایه گذاران داخلی و حق انتقال سرمایه را دارا باشند. بدین ترتیب نه تنها راه ورود سرمایه گذاران دولتی و غیر دولتی از کشورهای مختلف جهان به آذربایجان باز گردید بلکه یک رقابت شدیدی برای سرمایه گذاری در آذربایجان بین سرمایه گذاران کشورهای مختلف به وجود آمد.

کشور اسرائیل که در سال ۱۹۹۲ با آذربایجان روابط دیپلماتیکی برقرار کرده بود بدنبال روزنه ای بود تا بتواند در این کشور به فعالیت اقتصادی بپردازد چراکه فرصت های اقتصادی زیادی را می توانست برای خود از این طریق کسب نماید. سرانجام با تغییر دیدگاه اقتصادی آذربایجان از اواسط دهه نود قرن

بیستم کم کم زمینه های روابط تجاری و توسعه اقتصادی بین دو کشور پدیدار گشت بطوریکه در چهار ماهه اول سال ۱۹۹۶ صادرات اسرائیل به آذربایجان به مبلغ ۳/۵۰۰/۰۰۰ دلار رسید. در تاریخ ۲۹ اوت ۱۹۹۷ در طی دیدار بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل از آذربایجان و ملاقات با رئیس جمهور وقت آذربایجان، حیدر علی اف در باکو دو طرف ضرورت همکاری های اقتصادی را اعلام نمودند. در این دیدار حیدر علی اف اظهار نمود که جمهوری آذربایجان به دنبال کمک های تکنولوژیک و تخصص های فنی اسرائیل است و سعی دارد منبع تامین نفت اسرائیل باشد. گسترش پروژه های نفتی آذربایجان، مدرن کردن سیستم کشاورزی و باز سازی ویرانی های باقی مانده از جنگ آذربایجان و ارمنستان نیاز به سرمایه گذاری زیادی داشت که اسرائیل مشتاق به این امر و قادر به انجام این سرمایه گذاری و تغییرات بود. در سال ۱۹۸۸ دولت اسرائیل با استفاده از سیستم آبیاری قطره ای در منطقه لنکران در جنوب آذربایجان توانست برخی از محصولات کشاورزی آذربایجان را به بیش از دو برابر برساند. در سال بعد دولت اسرائیل در بخش سیستم تلفن همراه شرکت باکسل را به عنوان اپراتور دوم در آذربایجان راه اندازی نمود (۱۹). همکاری اقتصادی اسرائیل با آذربایجان بسرعت در بخش های دیگر گسترش یافت از جمله سرمایه گذاری در ایجاد مزارع کشت و سیفیجات و گوجه فرنگی در مناطق جنوبی آذربایجان، پرورش ماکیان، ساختن بیمارستان و ارائه دستگاهها و تجهیزات در شهر باکو. این فعالیت ها باعث گسترش روابط تجاری و اقتصادی بین دو کشور گردید چنانچه در سال ۲۰۰۸ بر اساس آمار ارائه شده از طرف دولت آذربایجان نشان می دهد که ۵/۸٪ بازرگانی خارجی آذربایجان با اسرائیل بوده و نیمی از نفت اسرائیل در همین سال از طرف آذربایجان تامین می گردیده است. (۲۰)

سیاست های جدید اقتصادی که با پیشرفت های چشمگیری همراه بود باعث گردید تا دولت آذربایجان تمایل شدید خود را به ایجاد یک منطقه آزاد تجاری در شهر سومیقات در نزدیکی باکو نشان دهد. اسرائیلی ها و آمریکائی ها نیز با دولت آذربایجان در این مورد دارای نظر مساعد و آمادگی همکاری برای اجرای این پروژه را اعلام نمودند. انجام این پروژه بمعنی به وجود آمدن یک منطقه آزاد تجاری در دریای خزر که می توانند یک بازار بزرگ و مناسبی برای فروش کالاهای اسرائیلی باشد. این بازار نه تنها تامین بخشی از کالاهای مورد نیاز آذربایجان و دیگر کشورهای منطقه را امکانپذیر می نماید بعلاوه می تواند برخی از کالاهای اسرائیلی را در کشورهای قفقاز جنوبی و حتی در آسیای مرکزی

بفروش برساند. در تاریخ ۲۵/۶/۲۰۰۹ شیمون پرز یک هفته قبل از سفر به آذربایجان، در یک مصاحبه با خبرنگاری از آذربایجان اظهار داشت: از آنجائیکه اسرائیل دارای نفت و گاز نمی باشد و نیاز مبرم به آن دارد پس باید تمرکز را بر علاقه آذربایجان داشت و آن همان سهم کردن در دانش و تکنولوژی اسرائیل است. (۲۱) بدین ترتیب نفوذ شرکت های اسرائیلی بخصوص با سرمایه گذاری های عظیم اسرائیل در بخش انرژی فسیلی، این کشور به یکی از وارد کنندگان بزرگ نفت آذربایجان و یکی از شرکای بزرگ اقتصادی آذربایجان تبدیل گشته است.

### ب. عامل سیاسی

قرار گرفتن آذربایجان در یک موقعیت ژئوپلیتیک مناسب و شرایط استراتژیکی مهم در قفقاز جنوبی باعث گردیده که این کشور برای غرب بسیار مهم تلقی گردد. فرو پاشی شوروی و استقلال آذربایجان برای آمریکا و متحد استراتژیک آن یعنی اسرائیل این امکان را به وجود آورد تا با ایجاد روابط با آذربایجان بتوانند نفوذ خود را در این کشور و در قفقاز جنوبی گسترده نمایند. درگیری آذربایجان و ارمنستان و از دست دادن قره باغ باعث گردید تا دولت آذربایجان با گرایش به طرف اسرائیل و واسطه قرار دادن این کشور، بتواند با غرب و آمریکا روابط نزدیکتری برقرار نماید و از این طریق کاهش حمایت های غرب از ارمنستان را موجب گردد. گسترش روابط دیپلماتیک آذربایجان با اسرائیل بعد از جنگ قره باغ بیشتر در جهت تاثیر گذاری لابی یهودیان بر دولتهای غربی بخصوص آمریکا بود تا حمایت های سیاسی و دیپلماتیکی لازم را در این مورد کسب نماید. چنانچه حسن اف وزیر امور خارجه اسبق آذربایجان در سال ۱۹۹۶ اظهار داشت که آذربایجان خواستار تاثیر گروه فشار اسرائیل بر دولتمردان آمریکا برای حمایت از آذربایجان در مشکل قره باغ است. (۲۲). کشور روسیه با گذشت دو دهه از استقلال کشورهای جدا شده از شوروی، هنوز به آنها به منزله میراث گذشته و حیاط خلوت خود می نگرد. بدین سبب روسیه هنوز در معادلات سیاسی و اقتصادی منطقه قفقاز جنوبی خود را ذینفع می داند و خواهان ایجاد یک کمربند امنیتی در مناطق بحرانی اطراف خود هستند. برای مثال روسها در طول مذاکرات پس از جنگ قره باغ بارها پیشنهاد استقرار نیروی نظامی روسیه در منطقه مورد مناقشه را دادند. آذربایجان که هنوز امکان بازگشت روسیه به دوران سابق نظام کمونیستی را منتفی نمی بیند،

این دسته از پیشنهادات را تهدید جدی بر امنیت خود تلقی می نماید و برای مقابله با این تهدیدات سعی در جلب حمایت سیاسی و نظامی آمریکا بطور مستقیم و یا از طریق لابی یهودیان در آمریکا را دارد. (۲۳) در واقع داشتن رابطه سیاسی مستحکم با ابرقدرت باقی مانده از جنگ سرد و همپیمانان آن برای آذربایجان بسیار مهم بوده و در نظر دولتمردان آذری حمایت های سیاسی غرب برای بقا و پیشرفت این واحد سیاسی ضروری است.

برای سیاستمداران اسرائیلی ایجاد روابط سیاسی با آذربایجان بسیار مهم تلقی گردیده است. چراکه اسرائیل از بدو تاسیس تا به امروز در محاصره کشورهای عربی متخاصم قرار گرفته و امکان ایجاد روابط سیاسی و یا توسعه اقتصادی با آنها (البته مصر و اردن اخیراً بصورت بسیار محدود با اسرائیل رابطه ایجاد نموده اند) را ندارد. این امر از همان آغاز تاسیس اسرائیل بر سیاستمداران اسرائیلی روشن بود. بدین سبب در دهه ۱۹۵۰ اولین نخست وزیر اسرائیل، دیوید بن گورین، بدنبال یک اتحاد در منطقه خاورمیانه بدون حضور کشورهای عربی بود. او نظریه خود را اتحاد پیرامونی نامید و این اتحادیه بر این اساس بود که سیاست خارجی اسرائیل باید متکی بر کشورهای پیرامون و غیر عرب ناحیه خاورمیانه باشد. در نظریه خاورمیانه جدید<sup>۱</sup> شیمون پرز نیز بر این اصل که بعلت تضاد شدید کشورهای عربی مسلمان خاورمیانه با اسرائیل، امکان همکاریهای سیاسی و اقتصادی با این کشورها میسر نمی باشد، آمده که اسرائیل بایستی بدنبال کشورهای غیر عرب منطقه خاورمیانه جدید باشد. بنا براین اسرائیل می بایستی انرژی خود را در خاورمیانه جدید که کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز را نیز شامل می شود به کار گیرد. بر اساس این نظریه موفقیت در ایجاد رابطه با کشور آذربایجان مسلمان نه تنها چهره ضد اسلامی اسرائیل را در جهان از بین خواهد برد و از یک اتحاد ضد اسرائیلی از طرف تمامی کشورهای مسلمان جلوگیری می نماید بلکه منافع سیاسی - اقتصادی زیادی برای اسرائیل در بر خواهد داشت. ایجاد روابط سیاسی اسرائیل با آذربایجان و دیگر کشورهای تازه استقلال یافته و گسترش آن می تواند تا حدودی گسترش نفوذ متحد استراتژیک اسرائیل یعنی آمریکا را در این مناطق شدت بخشد. این روابط نه تنها می تواند در بر گیرنده منافع اسرائیل باشد بلکه تا حدودی جبران کاهش اهمیت اسرائیل برای

<sup>۱</sup> - شیمون پرز در کتاب خاورمیانه جدید به اهمیت اقتصادی و ارتباطی منطقه قفقاز جنوبی اشاره نموده است. او خواستار تامین امنیت این منطقه جهت کاهش اهمیت استراتژیک خلیج فارس گردیده است.

آمریکا بر اثر فروپاشی شوروی می‌کند.

### پ. عامل امنیتی

امنیت نظامی قدیمی‌ترین برداشت از امنیت می‌باشد. از سال ۱۹۴۵ تا به حال ارتش‌ها در کشورهای مختلف جهان رشد زیادی کرده و نقل و انتقال تسلیحات نظامی نیز بسیار گسترده شده است. در این وضعیت حمایت قدرتهای بزرگ تاثیر فراوانی در پیروزی و یا عدم شکست کشورهای ضعیف گذارده است. مناقشه آذربایجان با ارمنستان بر سر منطقه قره باغ بعثت عدم برخورداری آذربایجان از یک ارتش مدرن و قدرتمند و نبود حامی‌های قدرتمند سبب گردید تا دولت آذربایجان در مقابل طرف مناقشه در وضعیت ضعیف تری قرار گیرد. از این روی آذربایجان از سال ۱۹۹۳ سعی و تلاش زیادی برای بدست آوردن متحدین قدرتمند غربی انجام داد تا در مناقشه قره باغ از اهمیت وزنه مشترک مسیحی بودن ارمنستان و غرب بکاهد. چراکه ارمنستان توانسته بود همدردی کشورهای مسیحی اروپا، روسیه و حتی آمریکا را در اکثر مجامع بین‌المللی کسب نماید. کمکها و حمایت‌های نظامی - سیاسی اسرائیل از آذربایجان باعث گردید تا نگاه غرب نسبت به موضع قره باغ تا حدودی تغییر یابد. تقویت مدرنیته کردن ارتش آذربایجان از طریق کمکها و آموزش‌های نظامی اسرائیلی در راستای تقویت همکاری‌های نظامی بین دو کشور قرار داشت. اعلام قبول موضع آذربایجان در مسئله قره باغ از طرف اسرائیل و وجود لابی پر نفوذ یهودیان در آمریکا مسئولین آذربایجان را متقاعد نمود که روابط نزدیک با اسرائیل بمعنی روابط نزدیک با آمریکا و غرب می‌باشد. (۲۴) چنانچه الهام علی‌اف رئیس‌جمهور آذربایجان در سال ۱۹۹۹ در طی دیدارش از آمریکا اظهار داشت که هم‌اکنون آذربایجان در آمریکا دارای یک لابی است و آن جامعه یهود در آن کشور است. او همچنین ذکر نمود صرف نظر از اینکه لابی ارمنستان چقدر در این کشور قدرتمند است اما لابی یهود دارای قدرت بیشتری است (۲۵)

روسها که مدت‌های مدیدی دارای تسلط بر قفقاز بودند حتی پس از فروپاشی شوروی حاضر به ازدست دادن نفوذ خود در قفقاز جنوبی نبودند، چرا که سرزمین‌های آذربایجان و ارمنستان بخش مهمی از حیات خلوت روسیه در این منطقه محسوب می‌گردد. بدین منظور روسیه در سال ۱۹۹۱ سازمان کشورهای مستقل مشترک‌المنافع را تاسیس نمود که کشورهای قفقاز جنوبی نیز در آن قرار

گرفتند. روسها از این طریق سعی نمودند علاوه بر نفوذ در این سازمان، از نزدیک شدن کشورهای چون آذربایجان به آمریکا و متحدانش جلوگیری بعمل آورند و بدین ترتیب همچنان حیات خلوت خود، قفقاز جنوبی را حفظ نمایند. موافقت نامه امنیت جمعی که از طرف روسیه در سال ۱۹۹۲ اعلام و به امضاء اکثر اعضای کشورهای مستقل مشترک المنافع رسید را می توان در راستای سیاست های استیلا جویانه روسها در این کشورها ارزیابی نمود.

اما ملت آذربایجان که برای مدت ۷۰ سال زیر یوغ نظام کمونیسم شوروی قرار داشت، دیگر نمی توانست تهدیدات روسها را نادیده بگیرد. پس از مدت کوتاهی دولتمردان آذربایجان ب فکر جلوگیری از نفوذ روسها و تهدیدات احتمالی آنها در آینده افتادند و برای این منظور می بایستی به غرب نزدیک گردند و از آن بعنوان یک اهرم بازدارنده استفاده کنند. بدین سبب دولتمردان آذربایجان اعلام نمودند که همکاری با ناتو و آمریکا به منزله تضمین حاکمیت و استقلال آذربایجان می باشد. (۲۶) برای این منظور ارتباط و نزدیکی با کشور اسرائیل و قرار دادن این کشور بعنوان واسطه نه تنها می توانست دولت آذربایجان را در امور اقتصادی یاری دهد بلکه می توانست آمریکا و سازمان ناتو را بمنظور کاهش فشار روسها و دیگر تهدیدات متقاعد کند تا در قفقاز جنوبی حضور یابد. حضور شرکت ها و کمپانی های نفتی آمریکایی و دیگر کشورهای غربی در آذربایجان و همچنین جلوگیری از بنیاد گرایی و گسترش تروریسم در قفقاز جنوبی سرانجام ناتو را متقاعد ساخت که می بایستی همکاری نزدیکی با آذربایجان و دیگر کشورهای قفقاز جنوبی داشته باشد. (۲۷) حمایت آمریکا از گفتگو ها برای پیوستن آذربایجان به سازمان ناتو و همکاری های امنیتی آذربایجان با اسرائیل سرانجام باعث گردید تا دولت آذربایجان در سال ۱۹۹۹ از موافقت نامه امنیت دستجمعی سال ۱۹۹۲ که از طرف روسها ارائه گردیده بود، خارج گردد.

گسترش روابط اسرائیل و آذربایجان در سطح دیپلماتیک و حوزه های فنی، خدماتی و اقتصادی این فرصت را نیز به اسرائیل داد تا انتقال فن آوری هسته ای و یا راه ارتباطی برای این گونه مسائل با ایران از طرف کشور آذربایجان را تا حدودی مسدود کند. حضور اسرائیل در قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی و بخصوص در آذربایجان، همسایه شمالی جمهوری اسلامی، این امکان را برای این کشور و متحد استراتژیک آن، یعنی آمریکا، فراهم آورده تا حدودی کنترل و ممانعت از سلاح های کشتار جمعی که بر

اثر فروپاشی شوروی در جمهوری های تازه استقلال یافته شوروی پخش و یا بدون کنترل بود، را بدست آورد.

### ت. عامل ایدئولوژی

فروپاشی نظام کمونیستی شوروی و اسقلال کشورهای مسلمان در قفقاز و آسیای مرکزی باعث رقابت شدیدی بین جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی برای ارائه الگوی اسلامی البته هر یک با شیوه خاص خود شد. (۲۸) گسترش بنیاد گرایی اسلامی در این مناطق و یا اتحاد این کشورها با کشورهای رادیکال اسلامی در خاورمیانه میتواندست تهدیدات جدی را برای اسرائیل و غرب ایجاد کند. غرب با اعلام اینکه بنیاد گرایی اسلامی جایگزین تهدیدات سابق کمونیستی گردیده، در صدد بر آمد تا از طریق کشور اسرائیل به مبارزه با این تهدید شدت بخشد.

آذربایجان با بیش از ۷۰۰ کیلومتر مرز مشترک و همچنین با خصوصیات تاریخی و فرهنگی مشترکی با جمهوری اسلامی ایران و دومین کشور شیعه در جهان مهمترین همسایه شمالی ایران محسوب می گردد. (۲۹) دولت نو پای آذربایجان بدلیل وجود اشتراکات فرهنگی، دینی و مذهبی بین دو ملت ایران و آذربایجان احساس خطر نمود. دولتمردان آذربایجان با تجربیات ۷۰ ساله این سرزمین از ایدئولوژی کمونیستی و تبلیغات منفی غرب در مورد بنیادگرایی اسلامی، تحت هیچ شرایطی حاضر به پذیرفتن یک نظام ایدئولوژیکی دیگر نمی باشد. بدین سبب است که با وجودیکه آذربایجان یک کشور مسلمان شیعه می باشد ولی از یک نظام سکولار پیروی می کند. در نظریه اکثر سیاستمداران آذربایجان قرار گرفتن یک نظام حکومتی مبتنی بر ایدئولوژی اسلام شیعه در همسایگی آذربایجان که بیش از ۹۰٪ جمعیت آن را شیعیان تشکیل می دهد، می تواند تهدیدات زیادی برای حکومت سکولار آذربایجان به وجود آورد. همکاری بخش امنیتی دولت اسرائیل و آذربایجان تا حدود زیادی توانسته از تهدیدات بنیاد گرایان اسلامی در آذربایجان جلوگیری نمایند. چنانچه نتانیا هو در دیدار خود اظهار نمود که همکاری سه کشور اسرائیل، ترکیه و آذربایجان در مبارزه با بنیاد گرایی اسلامی بسیار مهم است. اسرائیل با تسلط داشتن بر اپراتوری دوم تلفن آذربایجان (باکسل) و فعالیت های کشاورزی و عمرانی در نزدیکی مرز ایران و آذربایجان و با استفاده از دستگاه های شنود توانسته به فعالیت های اطلاعاتی



پپردازد و تحرکات اسلام گرایان تندرو را تا حدودی زیر نظر داشته باشد. اسرائیل با حضور در آذربایجان و کمک به یهودیان مقیم در قفقاز جنوبی توانست تاثیر زیادی در بین یهودیان در منطقه گذارد و آنها را جذب سیاست های خود کند. یهودیان کشور آذربایجان که به سه دسته یهودیان کوهستان، یهودیان اشکنازی و یهودیان گرجستان تقسیم می گردند، بخشی از آنها توانسته اند به راحتی به اسرائیل مهاجرت و یا سفر نمایند. یهودیان آذربایجان بدلیل منافع زیادی که از حضور اسرائیل در آذربایجان کسب می نمایند (مانند مراکز فرهنگی و خیریه و آموزشی یهود که توسط دولت اسرائیل تاسیس گردیده اند) همواره خواهان گسترش فعالیت های اقتصادی-سیاسی این کشور در آذربایجان می باشند.

### نتیجه گیری

علی رغم نبود اشتراکات دینی، فرهنگی و تاریخی بین دو کشور آذربایجان و اسرائیل، هر دو کشور بر اثر نیازهای اقتصادی-سیاسی و امنیتی بر اساس طرح پیرامونی به ایجاد رابطه با یکدیگر پرداختند. دلایل متعددی باعث نزدیکی دو کشور به یکدیگر شد که برخی از آنها عبارتند از ترس از گسترش نفوذ اسلام گرایان تندرو در منطقه، بدگمانی آذربایجان به روسیه، نیازمند بودن آذربایجان به حمایت آمریکا بواسطه لابی یهودیان در آمریکا، احتیاج به سرمایه گذاری اسرائیل در آذربایجان، نیاز نفتی اسرائیل به نفت آذربایجان، کم رنگ کردن عامل دین در منازعه اعراب و اسرائیل و غیره.

سیاست خارجی اسرائیل که همواره منافع ملی این کشور را در خارج از مرزهای خاورمیانه عربی جستجو می نماید، توانست با ارتباط با کشور آذربایجان منافع ملی اسرائیل را در ورای مرزهای خود کسب نماید. این رابطه نه تنها اسرائیل را قادر ساخت تا در امور اقتصادی آذربایجان منافع قابل ملاحظه ای را کسب نماید و تامین نیاز های نفتی اسرائیل صورت گیرد بلکه توانسته تا حدودی از گسترش بنیاد گرایی اسلامی در منطقه قفقاز جنوبی بکاهد. بعلاوه گسترش نفوذ اسرائیل در آذربایجان که منجر به کاهش نفوذ جمهوری اسلامی ایران و کاهش تهدید انتقال سلاح های کشتار جمعی در منطقه قفقاز جنوبی شد، بر اهمیت اسرائیل در نزد غرب افزود. در مقابل آذربایجان که با مشکلات زیاد اقتصادی و سرمایه گذاری خارجی مواجه بود، توانست با ایجاد روابط با اسرائیل و تحکیم روابط با شریک استراتژیک آن یعنی ایالات متحده آمریکا تا اندازه زیادی به اهداف اقتصادی-سیاسی و امنیتی خود دست یابد.

همانطور که مشاهده گردید دولت آذربایجان در راستای مناسبات اقتصادی خود با اسرائیل بدنبال یک روش پراگماتیک و عمل گرایانه بوده و روابط خود را با اسرائیل نه تنها در بعد اقتصادی بلکه در دیگر ابعاد، سیاسی و امنیتی دنبال نموده است. در واقع منافع ملی اسرائیل و آذربایجان رابطه بین دو کشور را با استفاده از نظریه طرح پیرامونی به سمت و سوی نوعی همگرایی سوق داده است.

Archive of SID

منابع

- ۱- احمدی لفورکی، فیروزه بهزاد و میر رضوی، *راهنمای منطقه خزر و کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی* (تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۳)، صص ۱۰۵-۱۰۶.
- 2- <http://en.wikipedia.org/wiki/Israel#Demographics>, 18/01.
- 3- <http://www.com/bpstats>, **Statistical Review of World Energy**, 1988.
- ۴- منوچهر مرادی، «نگاهی دیگر به چالش های امنیتی در قفقاز جنوبی»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۵۷، ۱۳۸۶، صص ۷-۲۶.
- 5- Amir Sajedi, "Why Palestine-Israel Peace is not Realizing?", **India Quarterly, A Journal of International Affairs**, Vol. LXIV, no.3, 2008, pp.79-89.
- ۶- محمد تقی پور، *استراتژی پیرامونی اسرائیل* (تهران: مؤسسه اطلاعات و پژوهش های سیاسی، ۱۳۸۳)، ص ۴۲۹.
- 7- Joseph Ney, "The Case for Deep Engagement", **Foreign Affairs**, No. 4, July /August 1965, p.91.
- 8- Barry Buzan, "Peace, Power, and Contending Concepts in the Study of International Relations", **Journal of Peace Research**, Vol. 21, No. 2, 1984, pp. 109-112.
- ۹- گزارش پژوهشی «امنیت در خاورمیانه»، *پژوهشکده مطالعات راهبردی*، ۱۳۸۱، ص ۱۷.
- ۱۰- علی اصغر کاظمی، *روابط بین الملل در تئوری و در عمل* (تهران: نشر قومس، ۱۳۷۲)، صص ۱۱۱-۱۱۲.

- ۱۱- رابرت ماندل، *چهره متغیر امنیت ملی*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی (تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۷)، ص ۱۰۶.
- ۱۲- حسین سیف زاده، *نظریه های مختلف در روابط بین الملل* (تهران: نشر سفیر، ۱۳۷۱)، صص ۲۵۶-۳۱۲.
- ۱۳- جمیز دوئرتی و رابرت فالتر گراف، *نظریه های متعارض در روابط بین الملل*، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی (تهران: قومس، ۱۳۷۲)، صص ۲۹-۳۲.
- ۱۴- هوشنگ عامری، *اصول روابط بین الملل* (تهران: آگاه، ۱۳۷۰)، صص ۱۲۱-۱۲۸.
- ۱۵- مقصود رنجبر، «مفهوم منافع ملی از دیدگاههای گوناگون»، *اطلاعات سیاسی- اقتصادی*، شماره ۲۲۶-۲۲۵، ۱۳۸۵، ص ۱۷۲.
- ۱۶- عبدالعلی قوام، *اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل* (تهران: سمت، ۱۳۷۰)، صص ۲۲۱-۲۲۹.
- ۱۷- سکینه پور اصغری خمایی، «نظری اجمالی بر اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جمهوری های آسیای مرکزی و قفقاز»، *فصلنامه خاورمیانه*، شماره ۱، ۱۳۷۳، ص ۱۱۱.
- ۱۸- عسگراف، «محورهای توسعه اقتصادی خارجی جمهوری آذربایجان با جمهوری های آسیای مرکزی»، ترجمه پروین معظمی، *مجموعه مقالات دهمین همایش بین المللی آسیای مرکزی و قفقاز*، تحولات ده ساله: تجربیات گذشته؛ چشم انداز آینده (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۸۳)، ص ۳۵۹.
- ۱۹- امیر محمد حاجی یوسفی، «دولت رانتیر و نفوذپذیری اسرائیل و آمریکا در صلح خاورمیانه»، *فصلنامه مطالعات فلسطین*، شماره ۲، ۱۳۸۳، ص ۱۱۰.
- 20- Bulrnt Aras, "Post-Cold War Realities; Israel's Strategy in Azerbaijan and Central Asia", *Middle East Policy*, Vol. V, No.4, 1988, p.20, at: <http://www/vhosts/rasad.ir/httpdocs/farsi/ArticleFish/Articles/7.htm/Array>
- 21- "Israel Wants Stronger Economic Ties with Azerbaijan- Peres", 2010.

- ۲۲- سعید نقی زاده، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۴۷، ۱۳۸۳، صص ۴۷-۸۴.
- ۲۳- الیاس واحدی، *برآورد استراتژیک آذربایجان* (تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۲)، صص ۲۵۶-۲۵۷.

24- <http://en.wikipedia.org/wiki/azerbaijan>, **Israel Relations with Azerbaijan**, 2010.

- ۲۵- بوسک کریستوفر، *روابط اسرائیل و آذربایجان و تاثیر آن بر امنیت منطقه قفقاز جنوبی*، ۱۳۸۶، ص ۱۵.
- ۲۶- سید جواد امام جمعه زاده و محتبی تویسرکانی، «جنگ سرد تازه و گزینه های ممکن برای آسیای مرکزی و قفقاز در آرایش تازه قدرت های جهانی»، *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، سال بیست و دوم، شماره اول و دوم، ۱۳۸۶، ص ۴۱.

27- Ilya Bourtnan, "Israel and Azerbaijan's Furtive Embrace", **Middle East Quarterly**, Vol. XIII, No. 3, 2006, pp. 47-57.

28- Amir Sajedi, "Iran's Relations with Saudi Arabia", **Strategic Analysis**, New Delhi: Institute for Defense Studies and Analyses, Vol. XVI, No. 6, 1993, p. 777.

- ۲۹- مظفری صیدی، «عوامل ژئوپلیتیک جمهوری آذربایجان و تاثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۶۵، ۱۳۸۸، ص ۷۲.